

نقش و جایگاه زنان درباری در نظام وقف امپراتوری عثمانی از دوره سلیمان قانونی تا عبدالحمید دوم

کبری شوندی^۱
احمد کامرانی فر^۲
محمد رضا بارانی^۳

چکیده

امپراتوری عثمانی از جمله پایدارترین دولتهای مسلمان بود که بالغ بر شش قرن در جهان اسلام به حکمرانی پرداخت و نقطه اوج اقتدار آن از دوران سلیمان قانونی آغاز گردید. در بررسی نمودار قدرت، زنان درباری بعنوان "فرمانروایانی در پس پرده" در قالب والده سلطان و یا سوگلی در تحولات مختلف نقش آفرین بودند. از جمله این عرصه ها، وقف و امور خیریه می باشد. وقف، میراثی جاویدان است که بواسطه آن امور خیر و عام المنفعه در جامعه تداوم می یابد. بررسی تاریخیچه وقف در امپراتوری عثمانی بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه زنان، تحقیقی ناقص است. پس ضروریست تا با بازشناسی فعالیت زنان درباری بعنوان عناصری تاثیرگذار، تصویری واضح تر از نظام وقف آن دوره ارائه دهیم. گرایش های مذهبی و شرایط مطلوب اقتصادیان درباری، باعث گردید تا حضور اجتماعی و دینی آنان در پدیده وقف بویژه در محدوده زمانی دوران سلیمان قانونی تا پایانسلطنت عبدالحمید دوم گسترش یابد. در این مقاله تلاش خواهیم کرد به عنوان مسئله پژوهش، میزان تاثیرگذاری زنان درباری در نظام وقف عثمانی را با توجه به فرضیات ذکر شده، مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. یافته های پژوهش حاکی از آنست که عملکرد مثبت زنان دربار عثمانی سبب تقویت و توسعه روزافزون نظام وقف گردید. مطالب ارائه شده با روشی توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از کتب و مقالات علمی معتبر فراهم گردیده است.

کلیدواژه ها: نقش، زنان واقف، درباری، وقف، عثمانی.

^۱ . گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. ko.shavandi@gmail.com
^۲ . گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) kamranifar43@yahoo.com
^۳ . گروه تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. m.barani@alzahra.ac.ir

مقدمه

تا کنون پژوهش‌های زیادی درباره نقش و جایگاه زنان دربار عثمانی در خارج از ایران صورت گرفته که برخی به فارسی هم ترجمه شده اند، اما در ایران پژوهشی جامع و مستقل درباره نقش و جایگاه زنان دربار عثمانی بویژه در زمینه وقف صورت نگرفته است بنابراین توجه به این موضوع ضرورت می‌یابد.

از میان عوامل مختلف رشد و توسعه نظام وقف در امپراتوری عثمانی، علاوه بر اقدامات سلاطین، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد نقش آفرینی زنان درباری در این زمینه است. منظور از نظام وقف عثمانی، ساختاری است که در آن تمامی افراد از طریق بذل مال و ثروت و یا با ارائه خدمات مورد نیاز در سطوح مختلف، قدم در راه پیشرفت، ترقی و تحول همه جانبه جامعه می‌گذارند.

مهم‌ترین سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود اینست که زنان درباری چه نقشی در نظام وقف عثمانی داشتند؟ دو پاسخ کاملاً مشهود و نامشهود می‌توان به این پرسش داد، نخست آنکه مشارکت زنان درباری در ایجاد مؤسسات خیریه و عام المنفعه، باعث عمران و آبادانی و رشد و پیشرفت نهادهای اقتصادی، فرهنگی و آموزشی جامعه گردید و دیگر آنکه در جریان وقف از سوی زنان دربار، نوع نگرش‌ها و دیدگاه‌ها به این گروه در جامعه عثمانی تغییر یافت و راهی برای حضور بیشتر ایشان در مشارکت بر تصمیمات مختلف در عرصه‌های گوناگون گردید.

در مقاله حاضر با تمرکز بر چستی نظام وقف، در پی بررسی و واکاوی نقش و جایگاه زنان درباری در این نظام هستیم. از مهم‌ترین آثاری که در لابلای آن می‌توان اطلاعات ارزشمندی بدست آورد، کتاب «اوقاف نسا السلاطین العثمانيين، تحقیق: د. ماجده مخلوف» است. این کتاب کم‌حجم، حاوی وقف نامه همسر سلطان سلیمان عثمانی (خرم سلطان) بر مکه و مدینه است که در سال ۹۶۰هـ.ق به رشته تحریر درآمده است. پژوهش بعدی، مقاله‌ای ۳۴ صفحه‌ای تحت عنوان «وقف‌های زنان عثمانی و وقفیه والده سلطان ماه پیکر» نوشته اسرا دوغان، دانشجوی تبعه ترکیه و دکترای دانشگاه تهران است که ضمن پرداختن به مبحث وقف میان زنان عثمانی و معرفی ماه پیکر به عنوان یکی از زنان تاثیرگذار درباری و وقفیات او، تصاویری نیز از متن موقوفات این بانوی درباری ارائه داده است. از دیگر امتیازات مقاله خانم دوغان، استفاده از منابع ترکی استانبولی می‌باشد. این مقاله در سال ۱۳۹۰ و در مجله پیام بهارستان به چاپ رسیده است.

لازم به ذکر است که اکثر این تحقیقات ضمن معرفی و بیان نقش زنان درباری در نظام وقف عثمانی، تکیه مباحث شان بیشتر حول تاثیرگذاری یک زن درباری است و به عبارتی دیگر، تک بعدی عمل کرده اند. در حالیکه دغدغه ما در این پژوهش، علاوه بر بهره گیری از دستاوردهای پژوهش های نامبرده، بررسی و کنکاش نقش و جایگاه چهارتن از زنان برجسته دربار عثمانی است که بیشترین تاثیر را در رشد و اعتلای نظام وقف عثمانی داشتند.

نوع مطالعه و روش بررسی فرضیه ها و یا پاسخگویی به سئوالات به صورت توصیفی - تحلیلی است و هدف از طرح چنین مقاله ای بررسی موضوع به طور دقیق تر با مراجعه به منابع گسترده تر می باشد.

نگاهی کلی به نظام وقف

نظام وقف به مثابه سازمانی است که نقش برجسته ای در ارائه خدمات رایگان به صورت خودجوش و غیرمتمرکز در تمامی ابعاد جامعه دارد که استفاده از آن مختص به طیف خاصی از افراد جامعه نمی شود. خدمات دینی، آب شهرها و روستاها، پل ها، قبرستان ها، راه ها، خدمات درمانی، تعلیم و تعلم، کمک های اجتماعی و امور دیگر در امپراتوری عثمانی همه در چهارچوب وقف اداره می شدند.

در یک نگاه کلی شاید بتوان گفت وقف عبارتست از حبس و منع از تملک اموال خود، جهت قرار دادن آن در حکم ملکیت خداوند به نحوی که منافع آن به مردم برسد. به وقف کننده، واقف و به آنچه وقف می شود، موقوف گویند. به شخص یا چیزی که وقف بدان شرط می شود، مشروط له یا موقوف علیه گفته می شود.

سئوالی که در اینجا وجود دارد اینست که در دوران عثمانی مشارکت زنان درباری در نظام وقف عثمانی تا چه اندازه بوده است؟ زنان درباری علی رغم دور بودن از فعالیت های اجتماعی، خود را جدای از جامعه نمی دانستند و سعی می نمودند در این کار خیر ثابت قدم باشند و این موضوع از سویی گویای آشنایی آنان با سیاست های روز جامعه و احساس مسؤلیت در قبال آن سیاست ها و جانب دیگر این امر، میزان اثربخشی و رضایت مندی عمومی را بر طیف های مختلف جامعه نسبت به زنان درباری افزایش می داد، چرا که هر موقوفه به سان پیامی خاص در جهت جلب اذهان عمومی عمل می نمود و به عنوان نمادی خاص از سلطان و خاصه همسر او جلوه گر می نمود. بر اساس گزارش های ثبت شده از مجموع ۲۶۰۰۰ وقفی که از زمان تأسیس امپراطوری عثمانی ایجاد شده و وقف نامه هایشان در آرشیو

اداره اوقاف موجود می‌باشد، ۲۳۰۹ وقف را زنان برپا داشته‌اند. از این مقدار اوقاف زنان، ۱۶/۸۳ درصد در قرن دهم و ۳۰/۰۶ درصد در قرن یازدهم ایجاد شده‌اند.

پرسش دیگر اینکه از چه روی حدود سی درصد اوقاف در قرن یازدهم برپا شده است؟ شاید به این دلیل که آن زمان در حکومت عثمانی دوره «سلطنت زنان» به شمار می‌آمد زیرا اکثریت این واقفان را همسران، دختران و مادران حاکمان و طبقات بالای عثمانی تشکیل می‌دادند و تعداد بسیار اندکی از آنان افراد عادی بودند در این میان می‌توان به حس رقابت آنان با یکدیگر و ربودن گوی سبقت از دیگری در این عرصه، جهت کسب مقبولیت در بین درباریان خاصه شخص سلطان در نظر داشت. با مشاهده خلاصه ۱۸ وقف نامه و ۴۷ ذیل وقف نامه مربوط به این سلطان بانوها، درمی‌یابیم که ابعاد ثروتی که این زنان درباری وقف کرده‌اند تعجب برانگیز است. برای مثال، در آرشیو اداره کل اوقاف، سه وقف نامه مربوط به عایشه سلطان دختر سلطان مراد سوم موجود است. (یوکسل، ۱۳۹۱: ۲۶۹-۲۶۳) شاید بتوان یکی دیگر از دلایل گسترش موقوفات در میان زنان درباری را جلوگیری از مصادره اموالشان از سوی دولتمردان دانست. که در جای خود به تفصیل به آن اشاره خواهیم کرد.

خرم سلطان همسر سلیمان قانونی از جمله زنان واقف درباری است که به اتفاق همسرش سلطان سلیمان، دخترش مهرماه و دامادش رستم پاشا، بناهای عام المنفعه بسیاری از خود به یادگار گذاشتند که از میان زنان سلاطین عثمانی هیچ کدام به اندازه خرم سلطان چنین آثاری از خود به جای نگذاشته است. (محمود کمال، ۱۳۳۵: ۱۴-۱۳)

از دیگر زنان واقف درباری، ماه پیکر، همسر سلطان احمد اول و مادر مراد چهارم و ابراهیم خان می‌باشد. برخی چشمه‌های بیشمار در استان‌ها و شهرستان‌های عثمانی از جمله وقفیات وی می‌باشد. او همچنین در سال ۱۶۴۰م در اسکودار استانبول مجموعه چینی شامل: مسجد، حمام عمومی مردانه و زنانه، مدرسه، دارالحدیث، مکتب‌خانه، بیمارستان، چمه و محفل همایون را ساخت. ساخت این مجموعه در سال ۱۶۴۰م به پایان رسید و ده سال پس از آن والده سلطان برای درآمد این مجموعه، کاروان‌سرای بزرگی در استانبول بنام بیوک والده خان ساخت. عادت ماه پیکر این بود که در ماه رجب قیافه خود را تغییر می‌داد و در میان مردم حاضر شده و به امور آنها رسیدگی می‌کرد. از جمله اینکه زکات و صدقه می‌داد و بدهی زندانیان را پرداخت می‌کرد. همچنین کنیزان خود را پس از چند سال کار به همراه پول و جواهرات و جهیزیه شوهر می‌داد. ماه پیکر همچنین در یونان که در آن زمان در قلمرو عثمانی قرار داشت پل هفت چشمه را روی نهر بادرا و در برکه بزرگ واقع در راه حج، منزلی به

نام جدید ساخت. از دیگر کارهای او ساخت ترازوی آب (دولاب) در قاهره و کاروانسرای در قونیه بود. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۹۵-۷۸۴)

یکی دیگر از سلطان بانوهای واقف، خدیجه طرخان والده سلطان، مادر محمد چهارم است. از وقف نامه او در مورخ ۲۷ رجب ۱۰۷۳ مشخص می‌شود که علاوه بر مکتب، سبیل خانه (سقاخانه)، کتابخانه و مقبره در استانبول، قلاع سلطانیه و سدالبحر در چناق قلعه را به همراه مسجد، مکتب، خانه‌های محافظان قلعه، پناهگاه‌ها و مغازه‌های داخل قلعه با هدف محافظت از مسلمانان در برابر ظلم دشمنان و استیلاي آنان وقف کرده است. همچنین مقبره‌ای عالی برای خود بنا نهاد وی سرانجام در سال ۱۰۹۴ ق درگذشت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۷ ق: ۸۳؛ ثریا، ۱۳۰۸ ق: ۲۸-۲۷)

باید اشاره نمود که خدیجه طرخان برای تأمین هزینه‌های این خیرات، عقارات ۱ بسیاری را در استانبول و روم ایلی وقف نمود. (ثریا، ۱۳۰۸ ق: ۲۸-۲۷) شاید بتوان ادعا نمود گستردگی این موقوفات از سوی زنان طبقه مرفه جامعه عثمانی در این برهه زمانی خاص، در بطن خویش، هم‌گرایی آنان به این امور را نشان می‌دهد که هر یک در جهت برابری با دیگری و عقب نماندن از رقبای خود نزد سلاطین به عرصه وقف پای گذاردند.

در رویکردی تحلیلی، با وجود تمام محدودیت‌ها در اعصار مختلف تاریخ، شاهد حضور زنانی هستیم که توانستند از حصارهای تنیده شده مردسالارانه زندگی سیاسی و اجتماعی دوران خود، پا را فراتر نهاده و در تحولات مختلف جامعه‌تأثیرگذار بودند. دوران تاریخی مورد بحث نیز از این امر مستثنی نیست.

بارزترین زنان واقف دربار عثمانی می‌توان به خرم سلطان همسر سلیمان قانونی، نوربانو زوجه سلیم دوم، ماه پیکر (کوسم سلطان) همسر احمد سوم و در نهایت خدیجه طرخان مادر محمد چهارم اشاره کرد که با نقش آفرینی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آثار خیر فراوانی از خود به یادگار گذاشتند. بنابراین وقف را در این دوران می‌توان به وضوح به نمادی در جهت جلب افکار عمومی به این زنان دانست که غالباً کنیزکان اهدایی و فاقد وجهه و اعتبار خانوادگی بودند که تکرار این امر از سوی یک زن درباری، قدرتی نهفته در جهت مدیریت افکار عمومی و شکل‌دهی به آن و بدنبال آن نگرش مثبت به زنان درباری را باعث می‌گردید.

^۱ . عقار عبارت است از اموال وقف شده غیر منقولی که با هدف کسب درآمد برای تداوم نیت واقف وقف شده‌اند. (برکی، ۱۳۹۵: ۶۳)

اگر بخواهیم نقش زنان درباری در نظام وقف عثمانی را به صورت موضوعی دسته بندی کنیم می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. نقش اقتصادی زنان

از منظر جامعه شناسان واژه نقش بر اساس پایگاه، جایگاه و یا منزلت اجتماعی تعریف می شود، بدین معنا که اجتماع از هر فردی در قبال جایگاه و منزلت اجتماعی انتظاراتی دارد که به آن نقش می گویند. (کوئن، ۱۳۸۱: ۸۳) منظور از نقش اقتصادی در این پژوهش، مجموعه اعمال و رفتارهای خیرخواهانه زنان درباری در جهت ارتقا و بهبود اوضاع اقتصادی جامعه می باشد.

لازم به ذکر است از آنجا که تمرکز بزرگان دولتی و به تبع آن ثروت در مرکز حکومتی یعنی استانبول بود، به همین علت در سده های دهم و یازدهم هجری نیز بطور متوسط پنجاه درصد اوقاف کل امپراطوری و به همین میزان اوقافی که زنان برپا داشته اند در استانبول قرار داشت. در رأس واقفان زن، سلطان بانوها (یعنی زنان منسوب به خاندان سلطنتی) قرار داشتند. والده سلطان نه به معنای مادر سلطان بلکه لقب و عنوانی برای مادران سلاطینی بود که به حکومت رسیده بودند. مقام والده سلطان از بالاترین مقامات حرم همایون بوده است و در انجام امور خیر رقابتی شدیدی میانشان برقرار بود. (دوغان، ۱۳۹۰: ۲۸۸-۲۸۵) در اواسط قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری) امپراتوری عثمانی از لحاظ مالی روزهای خوبی را می گذراند. به طوریکه با جلوس سلیمان قانونی، تشکیلات مالی دولت نسبت به گذشته بهبود یافت. به ویژه پس از موفقیت در نبرد با ایران و مصر، هدایا و وجوه نقدی دریافتی از خارج به بهبود خزانه دولت کمک کرد. (اوزون چارشی لی، ۱۳۶۹: ۷۲۳) حال باید دید زنان دربار عثمانی با توجه به تمکن مالی که داشتند چگونه و از چه طریق توانستند در بهبود اوضاع اقتصادی و رفاه حال مردم تأثیرگذار باشند؟

باید توجه داشت که در اسلام حقوق اقتصادی زنان و مالکیت آنها محترم شمرده شده است و زنان صاحب و مالک دارایی خود هستند. از این رو می بینیم که زنان طبقات مختلف جامعه به خصوص زنان دربار عثمانی با تخصیص بخشی از دارایی خود، بر امور اقتصادی- فرهنگی و کارهای عام المنفعه تأثیرگذار بودند. از جمله بناهای عام المنفعه می توان به مدرسه، مسجد، پل، کاروان سرا و غیره اشاره نمود که با اختصاص وقفیاتی به آنها باعث تداوم و رونق این اماکن پس از مرگ خود می شدند. (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۸-۱۸) از جمله این زنان، والده سلطان ها بودند که با وقف بخشی از دارایی و اموال خود در امور خیر سهیم بودند. بایستی اشاره نمود که والده سلطان درآمدهای سرزمینی

داشت که توسط گروه‌هایی به نام «خاص‌ها» در بسیاری از بخش‌های سلطنتی که پاشماک لیگ نامیده می‌شد بدست می‌آورد. علاوه بر این، هدایایی نیز از طرف دولتمردان خارجی و عثمانی برای ارسال می‌شد که معمولاً به سایر درآمدهایش افزوده می‌گردید. مادر سلطان از ثروت عظیمی برای حمایت از بنیاد خیریه‌ای که در استانبول و همچنین در حریم شریفین بنا کرده بود بهره می‌گرفت. (İhsanoğlu, 2001م: ۱۴۲)

از سویی دیگر با سیطره دولت عثمانی بر حریم شریفین، غیر از دولتمردان عثمانی، آثار خیریه بی‌شماری توسط کاخ نشینان و مخصوصاً والده‌های پادشاهان، وقف آن مکان مقدس گردید. (مداح، ۱۰۱۰م: ۲۲-۱۴) برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خرم سلطان زوجه سلطان سلیمان قانونی موقوفات بسیاری در مکه و مدینه دارد که نسخه خطی وقف نامه‌اش در دارالکتب المصریه با شماره (۱۳۸۶۴ح) نگهداری می‌شود. طبق این سند، خرم سلطان تعدادی روستا و آبادی در مصر و چندین عمارت در مکه و مدینه و دو کشتی در دریای سرخ را وقف زائران و متعلمان و صالحان این دو شهر مقدس نمود. با مطالعه و بررسی این سند چنین استنباط می‌شود که این بانوی دربار عثمانی درصدد فراهم نمودن امکانات رفاهی جهت معیشت متعلمان، معلمان و زاهدان مکه و مدینه بوده تا با خاطری آسوده به تعلیم و تعلم بپردازند. (خاصکی والده سلطان، بی تا: ۲۱-۱۹) وی به همراه همسرش سلیمان و دخترش مهرماه و دامادش رستم پاشا بناهای عام المنفعه بسیاری احداث نمودند.

بانوی درباری دیگر همسر سلطان مراد سوم بنام سلطان صفیه نیز املاک خود را در مصر برای ۱۲۰ حافظ قرآن در مکه، مدینه و فاس و خادمان آبداری مسجد و چاه‌های آب مکه وقف نمود. (مخلوف، ۱۴۱۸ه.ق / ۱۹۹۸م: ۵۰-۴۹) روایات منابع، ماه پیکر مادر سلطان مراد چهارم و سلطان ابراهیم، از ثروتمندترین زنان روزگار خود بوده است به طوری که در زمان حیاتش ثروتی بیش از سیصد هزار قروش^۱ داشت که همه ثروتش را صرف امور خیریه نمود. والده سلطان ماه پیکر، درآمد هشت روستای واقع در جزیره ایگری بز در دریای اژه را وقف کرد که این وقف بالغ بر شش هزار سکه بود و ناظر آن آقای دارالسعاده بوده است. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۸۸)

^۱. واحد پول عثمانی

خدیجه طرخان مادر محمد چهارم یکی دیگر از بانوان درباری است که ۷۵۰۰ قوروش برای تأمین آب مسلمانان عازم حج تعیین نمود که با این مقدار پول باید ۷۵ شتر اجاره می‌شد تا بخشی از آنها برای حجاج آب برسانند و بخشی نیز وسایل آنها را حمل کنند. (مخلف، ۱۴۱۸ ه.ق / ۱۹۹۸ م: ۴۷-۴۶)

در برخی مواقع، پس از مرگ زنان درباری اموال آنها توسط دولت ضبط گردیده و صرف امور خیر می‌شد. برای نمونه، پس از مرگ والده کوسم سلطان (ماه پیکر) پول و اموالی را که جمع آوری نموده بود ضبط شد. از این اموال بیست صندوق سکه طلای متعلق به او را که در کاروان‌سرای والده خانی یافتند به خزانه سپردند. این کاروان‌سرا وقف موسسه خیریه‌ای بود که به دستور وی در اسکودار تأسیس شده بود. از محل «خاص» هایش سالیانه دویست و پنجاه هزار قروش عایدی داشت. در اسکودار بناهایی همچون «چینی لی جامع»، مکتب، چشمه، دارالحدیث، حمام و سبیل و عمارت به یادگار مانده است. لازم به ذکر است که بزرگ‌ترین دلخوشی وی پرداختن بدهی افرادی بود که به سبب بدهی‌هایشان به زندان افتاده بودند و همچنین دادن جهیزیه به دختران فقیر و فراهم آوردن آذوقه برای زائران نیازمند مکه و مدینه از دیگر اقدامات خیرخواهانه وی بود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۷ ق: ۶۸؛ دعبول، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م: ۴۳۴-۴۱۱) در ادامه باید گفت که منبع ثروت خدیجه طرخان همانند دیگر سلطان بانوها، به علت انتساب آنها به خاندان سلطنتی، سیاسی است. به همین دلیل در زمان درگذشت این بانوان سلطنتی، تمام اموال و دارایی‌های وقف نشده آنها از سوی دولت مصادره و به خزانه برگردانده می‌شد. (یوکسل، ۱۳۹۱: ۲۶۹)

همان‌طور که گفته شد طی قرون دهم و یازدهم هجری حدود پنجاه درصد از اوقاف در شهر استانبول واقع بود. می‌بینیم که زنان و به ویژه زنان درباری نقش بارزی در این زمینه داشتند. در رأس زنان واقف درباری می‌توان به والده سلطان‌ها اشاره نمود که با تخصیص بخشی از اموال و دارایی خود در زمینه احداث بناهای عام المنفعه نظیر: کاروان‌سرا، مکتب، چشمه، دارالحدیث، حمام و سبیل و عمارت توانستند به بهبود اوضاع اقتصادی و رفاه حال مردم کمک شایانی نمایند. آنها همچنین با بذل بخشی از دارایی خود بصورت نقد در امور خیر سهیم شدند که برای نمونه می‌توان به ارسال وجوه نقد توسط خرم سلطان برای فقرای مکه و مدینه اشاره نمود. تأمین آب حاجیان مکه و تهیه جهیزیه دختران فقیر از دیگر فعالیت‌های اقتصادی زنان دربار عثمانی بشمار می‌رود.

۲. نقش فرهنگی زنان

در تعریف نقش افراد باید گفت منظور از نقش: رفتار، کردار، وظیفه یا کار معینی است که فرد در جامعه بر عهده می‌گیرد. هر فردی در زندگی خود ممکن است چندین نقش داشته باشد. نقش‌هایی که جامعه برای هر شخص مشخص می‌کند نقش محول نام دارد و نقش‌هایی که توسط فرد به اجرا در می‌آید نقش اکتسابی یا محقق نامیده می‌شود. (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹: ۵۵۰) نقش فرهنگی از جمله نقش‌های اکتسابی یا محقق محسوب می‌شود که فرد می‌تواند با رفتار و عملکرد خود در زمینه ارتقا فرهنگ و آموزش و توسعه و گسترش نهادهای علمی در جامعه تاثیرگذار باشد. بدین منظور می‌توان وقف را از پشتوانه‌های مهم فرهنگی مردم در نظام اجتماعی اسلام دانست. اوقاف بارزترین عنصر فرهنگی در طول حیات امپراطوری عثمانی به شمار می‌رود. به طوری که می‌توان فرهنگ ترکان عثمانی را فرهنگ وقف نام‌گذاری نمود. وقف از لحاظ اداری و مالی، نهادی خودمختار بود و زنان نیز هم ردیف مردان با وقف اموال و دارایی خود نقش موثری در شکوفایی و رونق تمدن اسلامی ایفا نمودند. در سایه وقف به نوعی ضمن شناساندن هویت فرهنگی و اعتقادی خود به شهرهای کوچک و بزرگی که تحت سیطره شان خاصه در آناتولی درآمده بود، آن را نهادینه ساختند. در این جرگه، وقف همانند نمادی عمل می‌نمود که مبین دین مبین اسلام و نظام امپراتوری عثمانی به شمار می‌آمد.

باید توجه نمود که در جامعه عثمانی یگانه جایی که زنان می‌توانستند مدیریت آن را بر عهده گیرند اوقاف بود. به طوری که برخی واقفان قرن یازدهم تولیت موقوفاتشان را به همسران، دختران، خواهران و دیگر خویشاوندان زنانشان واگذار می‌کردند. نکته قابل توجه اینکه زنان از همان قرون نخستین، تولیت موقوفات را بر عهده داشته‌اند. (یوکسل، ۱۳۹۰: ۲۶۳)

از جمله مراکز وقفی که از اهمیت بالایی برخوردارند مساجد هستند که هم محل عبادت مردم به شمار می‌آیند و هم محل اجتماع و ملاقات آنها. لازم به ذکر است که در امپراتوری عثمانی مساجد از وجوه موقوفات غنی برپا می‌شدند و مدارس، مکتب‌خانه‌ها و بیمارستان‌ها و سایر مؤسسات خیریه به همراه آنها ساخته می‌شدند. بنابر گفته منابع تاریخی، از مهم‌ترین آثار معماری سال‌های آغازین قرن هفدهم، مسجد جامع سلطان احمد اول می‌باشد و از بناهای مهم اواسط این قرن می‌توان به «ینی جامع» واقع در امین اونو اشاره کرد که به دستور خدیجه تورخان سلطان مادر محمد چهارم ساخته شد. والده تورخان سلطان در پی این تصمیم با پیشنهاد معمار باشی مصطفی آغا و توصیه وزیراعظم کوپرولی محمدپاشا قرار بر این شد که بنای مسجد در محل مسجدی که به دستور صفیه سلطان مادر

محمد سوم کار بنای آن در سال ۱۰۰۶ق / ۱۵۹۷م آغاز شده بود اما به دلیل مرگ سلطان محمد و انتقال مادرش به اسکی سرای ناتمام مانده بود ساخته شود. لذا طبق این تصمیم، خانه‌های یهودیان اطراف محل اسکی جامع را گرفتند و ساکنان یهودی آن را به حوالی «بلات» منتقل کردند. سپس خانه‌های خریداری شده را تخریب کرده و بنای مسجدی که امروزه با همه عظمت خود جلوه‌گر است به همراه منضات پشت مسجد ساخته شد. بازاری که امروزه به «مصر چارشی سی» (بازار مصر) معروف است جزو موقوفه‌های این مسجد می‌باشد. در وقفنامه آمده است که اجناس وارد شده از مصر و یمن و هند شامل: قند، پنبه، ادویه جات و... در این بازار به فروش برسد و مبلغی از عایدات آن صرف مجتمع شود و با توجه به اینکه این اجناس از مصر و یا از طریق مصر وارد می‌شد این بازار معروف به «مصر چارشی سی» شد. ینی جامع یا والده جامعی که از نمونه‌های معماری کلاسیک و از شاهکارهای معماری عثمانی است کار ساخت آن در سال ۱۰۷۱ق آغاز و در سال ۱۰۷۶ق / ۱۶۶۵م به پایان رسید و در بیستم ربیع الاول سال ۱۰۷۶ق با حضور شاه و مادرش افتتاح شد و نخستین نماز جمعه در آن اقامه گردید. هزینه ساختن مسجد به همراه پادشاهی که داده شد سه هزار و هشتاد کیسه آقچه بود. (اوزون چارشی لی، ۱۳۷۹: ۲۶۳-۲۶۲)

یکی دیگر از زنان دربار عثمانی ماه پیکر همسر احمد اول و مادر مراد مچهارم و ابراهیم خان بود که توانست در آناطولی مسجدی بنا کند که دو طبقه داشت و مشرف بر تنگه استانبول بود و ساخت آن را در سال ۱۶۳۲م به اتمام رساند. همچنین در استانبول مسجد و مدرسه‌ای با عنوان والده ساخت و در رومیلی اوقاف و خیرات ارزشمندی برجای نهاد. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۸۸)

تاسیس مراکز آموزشی از دیگر فعالیت‌های فرهنگی زنان دربار عثمانی محسوب می‌شود به طوریکه در سال ۱۸۳۲م تنها در استانبول ۷۱ مکتب خانه وجود داشت که توسط زنان دربار برپا شده بود. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۸۴) استقرار مدارس بر نظام وقف، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی همچون غیرقابل تصرف و همیشگی بودن موقوفه‌ها، نه تنها موجب استقلال مالی و اداری مدارس می‌گردید، بلکه با تضمین امکانات و نیازهای اساسی مورد نیاز مدرسان و دانش آموزان زمینه مناسبی برای فعالیت و کارکرد مستمر مدارس فراهم می‌آورد. از آنجایی که تحولات و بی‌ثباتی‌های سیاسی نیز نمی‌توانست در کارکرد نهادهای مبتنی بر وقف مشکلی پدید آورد، نظام مدارس مبتنی بر وقف حتی در چنین شرایطی، نه تنها از نوعی ثبات و پایداری برخوردار می‌شد، بلکه به علت روی آوردن ثروتمندان و ملاکین به وقف اموال و املاک خود در شرایط بحرانی و بی‌ثباتی‌های سیاسی، رونق و

استحکام بیشتری می‌یافت. از اینرو رواج و فراگیری چشمگیر سنت وقف و اختصاص بخش قابل توجهی از موقوفه‌ها به مدارس را باید از مهم‌ترین علل گسترش و استمرار فعالیت مدارس در جامعه عثمانی دانست (عبادی، ۱۳۸۹: ۹۹). از جمله هزینه‌های تعمیر و نگهداری ساختمان مدرسه، پرداخت حقوق طلاب و خدمه غالباً توسط یکی از مدرسان از محل وجوهاتی که از مدیر موقوفات در یافت می‌نمود تأمین می‌شد. (شاه، ۱۳۷۰: ۲۳۶)

باید اشاره نمود دولت عثمانی در هر شهری که تصرف می‌نمود در جوار مدارس که بنا می‌کرد کتابخانه‌هایی نیز جهت استفاده دانشجویان دایر می‌ساخت. برای نمونه در قرن هفدهم در اسکودار کتابخانه مدرسه نوریانو سلطان معروف به والده عتیق مادر مراد سوم تأسیس شد. همچنین در «مجموعه ینی جامع» که به دستور ترخان والده سلطان مادر محمد چهارم ساخته شد کتابخانه‌ای به دستور احمد سوم تأسیس کردند. (اوزون چارشی لی، ۱۳۷۹: ۲۵۴-۲۵۳)

بزم عالم مادر سلطان عبدالمجید اول، وقتی والده سلطان شد نامش را به پرتو عالی تغییر داد. این بانوی درباری در یک روز پنجاه دست پیراهن ابریشمین ساخت بورسه خرید و بیشتر آنها را میان کنیزانش تقسیم نمود و سپس این عمل خود را «توزیع خوشبختی میان اطرافیانش» نامید. (باربر، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۱) پرتو عالی که با مرگ پسرش همه آرزوهای خود را نقش بر آب می‌دید اوقات خود را صرف نماز و دعا و امور خیریه نمود. نسبت به کودکانی که والدین خود را در جنگ از دست داده بودند احساس ترحم کرده و تعداد زیادی از آنها را تحت سرپرستی خود گرفت. اطرافیانش می‌گفتند این تنها دلخوشی او بود و از اینکه به آنها قرآن می‌آموخت خرسند بود. از جمله کودکان تحت سرپرستی او دختری حدوداً چهار ساله بنام عایشه بود که پدرش محمود بیگ در جنگ پلونا در حین درگیری با سپاه روس جان خود را از دست داده بود. این دختر وقتی بزرگ شد به همسری سلطان عبدالحمید دوم درآمد و سلطان نام وی را با الهام از آیه بیست و هشت سوره انبیاء که کلمه مشفق در آن بکار رفته است مشفقه نهاد و در دفتر بزرگ حرمسرا عایشه با نام جدیدش یعنی مشفقه ثبت گردید. وی توانست در زندگی این سلطان عثمانی تاثیرگذار باشد. (یوکسل، ۱۳۹۱، ۲۶۶)

۳. نقش اجتماعی زنان

در کتاب نظریه‌های جامعه‌شناسی با تاکید بر جنبه اجتماعی نقش در تعریف این واژه آمده است: نقش معانی مختلفی را به ذهن متبادر می‌سازد که یکی از متداول‌ترین مفاهیم نقش، مرتبط با اعمالی

است که هر فرد به مناسبت پایگاه‌هایی که در جامعه دارد انجام می‌دهد. به عبارتی دیگر، نقش مجموعه وظایف و تکالیف و حقوق اجتماعی است که نقش اجتماعی خوانده می‌شود. و در مجموع می‌توان گفت نقش اجتماعی، معرف رفتاری است که هر کس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد حق دارد از او انتظار داشته باشد. (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۰۵) نقش‌های گوناگون در جوامع در رابطه با معیارهایی نظیر: جنسیت، سن، تجربه، ارتباطات و وضعیت اجتماعی افراد به آنها محول می‌شوند. لیکن وضعیت اجتماعی افراد (موقعیتی که در جامعه در رابطه با جایگاه‌شان در نظام روابط اجتماعی و قدرتی که در این رابطه بدست می‌آورند) بیش از سایر فاکتورها در نقش اجتماعی آنها موثر می‌باشد. (کلابی، ۱۳۷۲: ۹۱)

شاید بتوان چنین استنباط کرد که جایگاه تعریف شده زنان درباری، نوع ایفای نقش آنان را مشخص می‌نمود. با این رویکرد، از این زنان انتظار می‌رفت تا چنین رفتاری را اعمال نمایند بر همین اساس، زنانی که در پیوند سببی و نسبی با خانواده اشراف و بزرگان جامعه قرار می‌گرفتند قادر بودند وضعیت و جایگاه سیاسی- اجتماعی خود را تعدیل بخشند. بدین صورت که اغلب آنان می‌توانستند از مقام و منزلت خود در مسیر سامان دادن به امور فرهنگی و اجتماعی بهره گرفته و اماکن عام‌المنفعه بسیاری جهت رفاه حال مردم احداث نمایند. همچنین بخشی از مال و ثروت شخصی خود را به امور وقف اختصاص دهند.

از اماکن مورد بحث جهت رفاه حال مردم، کاروانسراها بودند. واقفان سعی می‌نمودند در کنار جوی آب و یا چشمه و قنات کاروان‌سرای برپا نمایند و وسایل اولیه مورد نیاز مسافران را مهیا ساخته و بدین ترتیب گرد سفر از چهره مسافران خسته بزدايند تا پس از استراحت کوتاهی دوباره آماده سفر شوند. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۲۵-۲۴)

خرم سلطان که حدود ۳۸ سال از عمر خود را در کنار سلیمان سپری کرد در منابع مختلف هم با خیرات و هم با دسیسه‌هایش ذکر شده است. به طوریکه می‌توان گفت در میان زنان سلاطین عثمانی هیچ کدام به اندازه خرم سلطان از خود آثار خیر به یادگار نگذاشته است. (امامی، ۱۳۸۷: ۷) وی اموال زیادی وقف امور خیر نمود. به طوریکه در استانبول وقف‌های امارت، مسجد، مدرسه، مکتب، بیمارستان، راه، چشمه، حمام و مخصوصاً روی نهر مریچ بلغارستان و راه آب‌های ادرنه، پایتخت قبلی عثمانی پل‌های فراوانی ساخت که در عثمانی به بناهای خیریه خاصگی سلطان مشهور شدند. سلیمان قانونی نیز برای اداره این اماکن خیریه املاک و مزارع فراوانی به او واگذار کرد که وقف این اماکن

خیریه گردید. (مخلوف، ۱۴۱۸ ه.ق/۱۹۹۸ م: ۴۷) همچنین رباط (کاروان سرا) خاصی سلطانه یا الخاصکیه در سال ۹۴۰ ه.ق در نزدیکی باب عالی ساخته شد. می‌توان گفت که این رباط اولین رباطی بود که عثمانی‌ها اقدام به ساخت آن نمودند. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۹۵)

ماه پیکر مادر سلطان مراد چهارم و سلطان ابراهیم‌آز دیگر بانوان نیکوکار درباری بود که توانست کاروان‌سرای خان والده یا بیوک خان والده را بنا کند که محل اسکان ایرانیان در استانبول محسوب می‌شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۷ ق: ۶۸) این کاروان‌سرا را ماه پیکر در زمان حکومت فرزندش سلطان مراد چهارم (۱۶۳۲-۱۶۴۰ م) بنا کرده است. هدف وی از ساخت این کاروان‌سرا آن بود که درآمد ناشی از این کاروان‌سرا را وقف مسجد چینی لی کند که خود در اسکودار ساخته بود. کاروان‌سرای والده خان در قرن ۱۷ ساخته شد. برخی از منابع نیز تاریخ ساخت آن را سال ۱۶۵۱ م ذکر می‌کنند. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۸۷؛ مخلوف، ۱۴۱۸ ه.ق/۱۹۹۸ م: ۵۱-۵۰) خان والده (والده خانی) بزرگ‌ترین سرای استانبول محسوب می‌شود که دارای سه حیاط بزرگ است که همگی توسط حجره‌هایی احاطه شده‌اند. رئیس نیا، ۱۳۷۴: ۸۱۸) کمک به محتاجین در راه مکه و مدینه و تهیه آب برای آنان از جمله خیرات ماه پیکر است که وقف نامه آن امروزه در کتابخانه ملت استانبول در بخش کتاب‌های علی امیری افندی به شماره ۹۳۱ و در نوزده برگ باقیست. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۸۸) گلنوش امانه الله سلطان، زن سلطان محمد چهارم و مادر مصطفی نیز در مسیرهای حج، سبیل‌ها و چشمه‌های زیادی ساخت. (مخلوف، ۱۴۱۸ ه.ق/۱۹۹۸ م: ۵۰-۴۹)

از جمله بناهای عام‌المنفعه دیگر می‌توان به بیمارستان‌ها اشاره کرد. بیمارستانی که به امر خرم سلطان در سال ۱۵۳۹ م/۹۴۶ ق در جوار مسجد «خاصکی سلطان» ساخته شد و نیز بیمارستانی که در سال ۱۵۵۵ م/۹۶۳ ق در استانبول همزمان با مجموعه سلیمانیه شامل: مسجد، عمارت، دارالحدیث، مقبره و حمام ساخته شد از جمله مؤسسات بهداشتی درمانی دوره عثمانی تا اواسط قرن شانزدهم میلادی به شمار می‌روند. (ثریا، ۱۳۰۸ ق: ۳۲) بیمارستان پرتونیال، وقفیه دیگری از زنان دربار عثمانی است. پرتونیال سلطان اقبال (پرتوعالی)، همسر اول سلطان محمود دوم و مادر سلطان عبدالعزیز می‌باشد که از سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۷۶ م در مقام والده سلطان باقی ماند. او غیر از ساخت آثار خیریه بسیار در مدینه، بیمارستان غربا را نیز بازسازی نمود. پرتونیال تصمیم قطعی داشت مبنی بر بازسازی بیمارستان وقفی که معروف به ابنیه خیریه بود و لذا این امر را در سال ۱۲۹۶ ه.ق/۱۸۷۹ م به پایان برد. باوجودی که در سال ۱۸۷۶ م مقام والده سلطانی‌اش به اتمام رسیده بود این عمل خیر را به سرانجام

رسانید. (مخلوف، ۱۴۱۸ ه.ق/ ۱۹۹۸ م: ۴۵-۴۴) تفاوتی که این بیمارستان با سایر بیمارستان‌ها داشت در این بود که در سه طبقه طبق موازین اسلامی به بهترین نحو بنا شده بود. بدین صورت که اتاق‌های آقایان که شامل اطباء، مدیران و آقایان حرم بودند در بیرون بیمارستان قرار گرفته بود. ساختمان‌هایی کوچک نیز برای آشپزخانه، داروخانه و غرفه خدمتکاران ساخته شد. داخل بیمارستان که از سنگ ساخته شده بود ۳۷ اتاق دلباز، رختشوی‌خانه و حمام و ۴۰۰ عدد رختخواب بیماران وجود داشت. (دوغان، ۱۳۹۰: ۷۹۴)

از بناهای خیریه نوریانو سلطان، دارالشفاء (بیمارستان)، مسافرخانه و عمارت بعدها ویران شد تا در زمان سلیم سوم به جای آنها «سلیمیه قشلاسی» برای نظام جدید ساخته شود. در اسکودار نزدیک «نوریانو جامعی»، «چینی لی جامع» به دستور کوسم سلطان (ماه پیکر) ساخته شد. کار بنای این مسجد در سال ۱۰۵۰ ق / ۱۶۴۰ م به اتمام رسید. کاروان‌سرای والده «والده خانی» واقع در استانبول از موقوفات این مسجد است. معمار این مسجد قاسم آغا بود. (اوزون چارشی لی، ۱۳۷۹: ۲۶۰-۲۵۹)

از موسسات اجتماعی دیگر عمارات نام داشتند که با هدف اطعام مساکین ساخته می‌شدند. کیفیت عمارت‌ها بسته به کمی و یا زیادی ثروت افرادی که این قبیل موسسات را وقف می‌کردند فرق می‌کرد و حقوق کارمندان این‌گونه موسسات نیز با توجه به اینکه در شهر و قصبه و یا سر جاده احداث شوند متفاوت بود. عمارت مهرماه در اسکودار و عمارت والده سلطان سلیمان در مانیسه از جمله ابنیه خیریه زنان درباری بود. (اوزون چارشی لی، ۱۳۶۹: ۶۷۶)

در مجموع، مطالب فوق نشان داد زنانی که در پیوند نسبی و سببی با خانواده اشراف و بزرگان عثمانی قرار داشتند توانستند جایگاه سیاسی- اجتماعی خود را تعدیل بخشیده و با استفاده از مقام و منزلت خود در مسیر سامان دادن به امور اجتماعی و فرهنگی بهره بگیرند. تاسیس بناهای عام المنفعه ای همچون: مساجد، بیمارستان‌ها و کاروان‌سراها و غیره از جمله فعالیت‌های خیرخواهانه زنان درباری به شمار می‌روند به ویژه در محدوده زمانی قرن یازدهم هجری که به دوران «سلطنت زنان» در تاریخ عثمانی مشهور است.

نتیجه

وقف یکی از ساز و کارهای عدالت اجتماعی است و با گسترش این فرهنگ، میزان فقر و محرومیت در جامعه کاهش می‌یابد. با بررسی تاریخچه وقف در میابیم که این سنت حسنه از جایگاه ویژه ای در میان مسلمانان برخوردار بود، چراکه آثار و نتایج ماندگارتری نسبت به سایر اعمال

خیرخواهانه دارد. با پیشرفت فتوحات عثمانی در بلاد مختلف و لزوم توجه به تأمین رفاه حال مردم، قلمرو وقف نیز گسترش یافت و بدین منظور تشکیلات و نظام وسیعی بوجود آمد بطوریکه برای اداره آن نیازمند اختصاص وجوهی خاص گردید. حاکمان عثمانی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی خاص، جهت انجام سیاست های درازمدت از وقف بهره گرفتند. در کنار آنها، زنان متول دربار عثمانی نیز با توجه به جایگاهشان در قالب والده سلطان و یا سوگلی و همسران سلاطین، نقش بسزایی در سوق دادن دارایی های خود به سمت امور خیر در قالب نظام وقف داشتند. تخصیص بخشی از دارایی خود جهت احداث و مرمت بناهای عام المنفعه، حمایت از بنیادهای خیریه، فراهم نمودن امکانات رفاهی معلمان در جهت تربیت شاگردانی شایسته، تأمین مایحتاج حجاج حرمین شریفین، کمک به احداث و تعمیر مراکز علمی، تأمین مخارج ساخت مؤسسات بهداشتی- درمانی و اطعام مساکین بخشی از فعالیتهای زنان درباری در این عرصه می باشد. آنان تحت تاثیر روحیه مذهبی و اعتقادات قلبی خود، علاوه بر تاسیس مؤسسات علمی و آموزشی، با وقف املاک و مستغلات و دارایی های فردی سبب رونق این مراکز شدند.

گسترده‌گی موقوفات زنان دربار عثمانی، در پهنه امپراطوری اسلامی به خصوص در حرمین شرفین که مکانی برای تبادل فرهنگی مردم سایر بلاد به شمار می رفت، فرصتی بود در جهت اعتلای نام و اعتبار امپراتوری عثمانی به عنوان نمایندگان خلافت اسلامی.

اثر گذاری زنان درباری در نظام وقف نه تنها باعث بهبود اوضاع فرهنگی- اجتماعی امپراتوری عثمانی گردید بلکه الگویی جهت مشارکت سایر زنان جامعه در رشد و بالندگی نظام وقف بعنوان نمادی از فرهنگ و تمدن اسلامی گردید.

کتابنامه

- آقابخشی و افشاری راد، علی و مینو (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار، چاپ اول.
- احمدی، نزهت (۱۳۸۰)، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج ۱، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسنخان (۱۳۰۷ق)، خیرات حسان، ج ۱ و ۳، بی جا: بی نا، چاپ سنگی.
- امامی، محمدتقی (۱۳۸۷)، «نقش سیاسی خرم سلطان سوگلی سلیمان قانونی در دربار عثمانی»، مجله مسکویه، دانشگاه آزاد ری، ش ۹.
- اوزون چارشی لی، اسماعیل حقی (۱۳۶۹)، تاریخ عثمانی از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی، ج ۲، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- اوزون چارشی لی، اسماعیل حقی (۱۳۷۹)، تاریخ عثمانی، ج ۲، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- . باربر، نوئل (۱۳۹۲)، فرمانروایان شاخ زرین، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر قطره، چاپ چهارم.
- برکی، علی همت (۱۳۹۵)، فرهنگ اصطلاحات وقف در امپراتوری عثمانی، ترجمه داود بهلولی، تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف با همکاری مجمع ذخایر اسلامی، چاپ اول.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- ثریا، محمد (۱۳۰۸ق)، سجل عثمانی، استانبول: کتابخانه سلیمانیه.
- خاصکی والده سلطان (خرم سلطان) وقفیه سی، استانبول، کتابخانه سلیمانیه.
- دعبول، رضوان (۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۸م)، تراجم اعلام النساء، بیروت: دارالبشیر، الطبعة الاولى.
- دوغان، أسرا (۱۳۹۰)، «وقف‌های زنان عثمانی و وقفیه والده سلطان ماه پیکر»، پیام بهارستان، س ۴، ۱۳.
- رئیس نیا، رحیم (۱۳۷۴)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۲، بی جا: انتشارات ستوده، چاپ اول.
- سپینتا، عبدالحسین (۱۳۴۶)، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان: اداره کل اوقاف استان اصفهان.
- شاو، استانفورد جی (۱۳۷۰)، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- عبادی، مهدی (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر گسترش مدارس در قلمرو عثمانی (دوره کلاسیک: سده‌های ۱۰-۸ هجری)»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ش ۱.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعلی توسلی و رضا فاضلف تهران: انتشارات سمت.
- گلایی، سیاوش (۱۳۷۲)، اصول و مبانی جامعه شناسی، تهران: انتشارات مجید و فردوس، چاپ سوم.

محمود کمال، اینال ابن الامین (۱۳۳۵ق)، اوقاف همایون نظارتک تاریخچه تشکیلاتی و نظارک تراجم احوالی، استانبول: اوقاف اسلامیہ مطبعہ سی.

مخلوف، ماجدہ صلاح (۱۴۱۸ھ/ق ۱۹۹۸م)، الحریم فی القصر العثماني، قاهرہ: دارالافاق العربیہ، الطبعہ الاولی.

مداح، امیرہ بنت علی (۲۰۱۰م)، اوقاف النساء فی مکہ المکرمہ فی العصر العثماني و دور المرأہ فیہا، القاهرہ: دارالقاهرہ، الطبعہ الاولی.

یوکسل، حسن (۱۳۹۱)، «نقش زنان در نظام وقف عثمانی»، ترجمہ علیرضا مقدم، فصلنامہ وقف میراث جاویدان، ش ۷۸-۷۷.

Ihsanoğlu, Ekmeleddin, (2001) *History of the ottoman state, Society and Civilisation*, istanbul: IRCICA.